

پوهنمل حاجي محمدنوزادي

درنگي بر نبشه آقاي وفا معصومي

(پيرامون پټه خزانه)

خوشوقتم که تعداد سايت هاي افغاني مادرشبكة انترنت روز بروز زياد شده ميروند که دانشمندان ما در آنها اثر گرانبهائي خود را به دسترس هموطنان طور رايگان قرار ميدهند و گاهي هم مطالب عجيب در آن به چشم ميخورد ، از جمله اخيراً در سايت اريايي مطلبی راپيرامون (پټه خزانه يا گنجينه پنهان) محمد هوتک ، بقلم محترم وفا معصومي که زحمات شانراميستاييم ، خواندم که در واقعيت برگردان (پټه خزانه في الميزان) اثر قلندر مومند بوده و در باره رد اصلي بودن کتاب (پټه خزانه) تحرير گرديده و وفامعصومي انرا بزبان دري باتکاليف زياد ترجمه نموده است.

هرچند بنده در رشته ادبيات وفيلولوژي تحصيلات مسلکي نداشته ولي خواندن نبشته فوق مرا واداشت تا دين خود را با ارائه اين مؤجز ادا نمايم زيرا که با افتخار ميتوانم گفت که از جمله علاقمندان شعر وادب هستم. تحصيلات اختصاصي ام در رشته زمين شناسي وپيوندمن باطبيعت باعث گرديده که چنين علايق در قلب و روح پرورش يابد . افزون بر ان با کتاب پټه خزانه محمد هوتک از اياميکه هنوز شاگرد مکتب بودم آشناگرديدم ودوست داشتم گاه گاه اشعار شعراي مختلف را ازان برگزيده ، ياد داشتم کنم.

بادر نظر داشت سوابق علاقمندی ام اينک خواستم درباره نوشته معصومي صاحب سطوري چند را تقدم خواننده گان هموطن نمايم که خداکند خاطر ان اقاي محترم راملال نسارد :

پټه خزانه - يک گنجينه پنهان با دشمنان اشکار

اين يک واقعيت است که بازتاب کتاب(پټه خزانه) در داخل وخارج کشور در نبشته هاي پژوهشگران سطوح مختلف درکل درجهت تائيد ان مسرت بار بوده، ولي بانهم تعدادي از آنها پيرامون صحت اين کتاب اظهار شک وترديد نموده اند. چنين کاری يک عمل طبيعي محسوب ميشود وغير قابل انتظار نيست. در جمله همچو کسان قلندر مومند نيز شامل است. تاجائیکه ديده شده در بين کسانیکه اصلي بودن وصحت پټه خزانه را زير سوال قرار داده اند دو گروه اشخاص وجود دارند :

گروه اول :

اين اشخاص صرف خواسته هاي پژوهشي را در نظر داشته وميخواهند يقين حاصل نمايند که تحقيقات شان بر بنياد واقعيت ها استوار ميباشد، لذا در زمينه پيشنهادهاتي را ارائه نموده اند تا درباره کتاب مذکور تدقيق بيشتري بعمل آيد وبر اساس متود هاي معين زبان شناسي محتوي پټه خزانه تحت بررسي قرار داده شود. اينگونه نظريات ناشي از حسن نيت بوده وباید به ديده قدرنگريسته شوند ، اما قابل ياداوري است که هيچکس در مقابل همچو ازمايشات تدقيقي موانعي را ايجاد نموده است و هرکس که در مورد شک وترديد دارد، ميتواند در مورد اقدام عملي نمايد .

گروه دوم :

اين گروه از روي سؤ نيت، و با سؤ استفاده از نظريات گروه اول دلایلي ابلهانه را تراشیده تا نشان دهند که کتاب پټه خزانه يک نوشته فرضي ، جديد وحتي جعلي بوده که در روي ميز به تحرير درآمده است. چنين اشخاص نيز بنوبه خوداز دو قماش هستند که از دو منبع مختلف با هدف واحدياسي اب ميخورند :

الف - اينها کساني هستند که در داخل وخارج کشور تحت تاثير تبليغات خصمانه فارسي زبانان ايراني وايراني مآبان افغاني قرار دارند. اين اشخاص نه تنها با زبان ملي پشتو ما سازگار نيستند ، بلکه زبان شيرين دري مارا نيز برسميت نمي شناسند و دري بودن افغاني را در زبان فارسي نفي ميکنند. مقالات متعدد نويسنده چيره دست کشور محترم ديپلوم انجينر خليل الله معروفی در سايت هاي مختلف افغاني جواب دندان شکنی است به چنين اقاويون ايراني مشرف افغانستاني. واينکه چرا اينها پټه خزانه را مردود ميشمارد نيز از هيچکس پوشيده نيست. اولاً اينکه مولف کتاب پټه خزانه کسي است که خودش هوتک بوده ومردم افغانستان اعم از پشتون، تاجک ، هزاره ، ازبک ، بلوچ يکدست تحت رهبري حاجي ميرخان هوتکي (ميرويس نيکه) در مقابل اشغالگران دولت صفوي ايران قيام نموده ، نه تنها کشور خود را از مظالم شان نجات بخشيدند بلکه مردم مظلوم ايران را نيز از شرفساد اهل بي کفايت صفوي ها ازاد ساختند. ثانياً محمد هوتک از جمله مبارزين ومبلغين برجسته ضد فاشيزم گرگيني ايراني بود که در چندين جاي پټه خزانه از مظالم انها ياداوري مينمايد . ثالثاً کتاب پټه خزانه در عهد معارف پرور اعليحضرت شاه حسين هوتکي توسط کاتب ادبي دربار وي برشته تحرير درآمده است و اين شاه ترقي پسند برادر شاه محمود هوتکي بود که ايران را اشغال، دولت صفوي را سقوط داد وشاه سلطان حسين صفوي پادشاه ايران را مجبور کرد به قرارگاه اوحاضر شود و در پيشگاه او زانو زند وتاج شاهي خود را بدست خود بر سر او بنهد . روي اين اساس ايراني ها وايران مآبان افغانستاني در هيچ حالت ولوکه صحت پټه خزانه توسط ايت وحديث هم ثابت باشد ، قبول نخواهند کرد .

ب - بخش دیگر مخالفین اصلی بودن پته خزانه کسانی هستند که تحت تاثیر سیاست ضدافغانی حکومت پاکستان آمده و یا به حیث معاشخور در خدمت آنها قرار گرفته اند. آقای قلندر مومند که خود یک تبعه پاکستان است به گمان قریب به یقین به این قماش مردم منسوب است. چون در پته خزانه در شرح حال شعرا و ادبایی زبان پشتو معلومات جمع اوری گردیده است و این گروه از مخالفین فکر میکنند که پشتونها از قدیم الایام مردم سلحشور و جنگجوی بودند و طوریکه فریدریش انگلس در رساله خود تحت عنوان "افغانستان" مینویسد که جنگ برای این مردم در زنده گی یکنواخت شان تفریح محسوب میشود. ازینرو آنها

(پشتونها) برای پیشبرد هنر و ادب وقت و امکانات کافی نداشتند. اشخاص فوق برویت همچو دلایل صحت پته خزانه را زیر شک و سوال قرار میدهند. این نظر تاحدی درخور تأمل است، اما با در نظر داشت اینکه خود خصلت سلحشوری حماسه آفرینی را بیار می آورد و این واقعیت ها خواهی بصورت طبیعی در گفتار و پندار مردم اظهار میگردد. شعر و شاعری برای اظهار این ویژه گیها وسیله و طریقه خیلی مناسب بشمار می آید. شاید از همین جهت باشد که بسیاری از اشعار در پته خزانه یا حماسی بوده و یا هم اظهار خدایرستی مردم مومن این سرزمین است. بر علاوه شعرای شامل پته خزانه اشخاص فرضی و خیالی نیستند زیرا که اسمای بسیاری از آنها در سایر مأخذ ها نیز بچشم خورده است. روی این اساس شک و تردید همچو کسان اصولی بوده نمیتواند و فلها و قابل قبول نمیشود. از سوی دیگر، دلایل آنها که در رد کتاب مذکور ارائه داشته اند پایه منطقی ندارد، بیانی طور مثال یکی دو استدلال این آقای قلندر مومند را که آقای معصومی تاحد نبوغ از وی توصیف نموده و مکرراً بر آن تأکید میکند، به بررسی بگیریم:

موصوف در ابتدای به اصطلاح معروضات خویش یادار میشود که اگر عکس العمل منفی معاصرین شان نمی بود، شاید به یکی دو مقاله در مورد بسنده گی مینمود، اما عکس العمل آنها ویراگویا تحریک نموده است تا این رساله (پته خزانه فی المیزان) را بنویسد. ازین گفته او بوضاحت معلوم میگردد که نوشته جناب شان کاملاً از روی لجبازی و لجاجت صورت گرفته است نه بخاطر یافتن راه راست در تحقیقات علمی. این هم یک واقعیت تجربه شده است که لجبازی و استدلال منطقی با هم مطابقت ندارد و فاصله بین این دو پدیده از ثری تا ثریا (از زمین تا آسمان) است. طور مثال بیانی اولین دلیل ویرا بدقت ببینیم که در رابطه به اثبات نادرست بودن پته خزانه از نادرست بودن نام کتاب (از نظر او) آغاز میکند. بخاطر وضاحت اصل مسئله قبل از بررسی این موضوع لازم به تذکر میدانم که کتاب پته خزانه مشتمل بر سه بخش (یا سه خزانه) است:

خزانه اول - در بیان شعرائیکه پیشتر گذشته اند (قبل از عهد مولف کتاب)

خزانه دوم - در بیان شعرائیکه اکنون زنده اند (معاصرین مولف)

خزانه سوم - در بیان همان زنانیکه در زبان پشتو از خود اشعار بیادگار گذاشته اند.

حال میگردیم به اصل مسئله. قلندر مومند بارتباط دلایل رد کتاب مینویسد که قبل از همه نام ان (پته خزانه یعنی گنجینه پنهان) قابل قبول و اطمینان نیست زیرا که بخش دوم (خزانه دوم) ان در بیان شاعران همعصر محمد هوتک است لذا انها پنهان نبودند، و از نظر جناب عالی ازینکه نام کتاب با مندرجات متن ان صدقیصد مطابقت نمیکند، پس کل کتاب درست نبوده و جعلی است. چه منطق فیلسوفانه و حکیمانه!

اگر از موصوف سوال گردد، در صورتیکه از گل روی شما نام انرا (شرح حال پنجاه تن از شاعران زبان پشتو) میماند که با مندرجات متن کتاب مطابقت کامل دارد، پس کتاب متذکره را درست و واقعی قبول میکردید؟ آیا جعلکار نمیتوانست نام دیگر را بغیر از پته خزانه انتخاب کند؟ اما یک واقعیت را باید آقا یون قلندر مومند نویسنده رساله و فامعصومی مترجم و تائیدکننده رساله فراموش نکنند که از قدیم الایام در عموم لسانهای جهان تعامل چنین است که نام کتاب را معمولاً از روی نام یک بخش ان تعیین و عنوان یک شعر را از روی صرف یک بیت ان انتخاب میکنند. مثلاً نام کتاب مجموعه داستان های یک نویسنده صرف از نام یک داستان شامل کتاب برگزیده میشود و میتوان این نام با سایر داستانهای داخل کتاب از لحاظ شکل و محتوی هیچگونه مطابقتی داشته نباشد. طور نمونه اگر مجموعه داستان های نویسنده ورزیده اسدالله حبیب را بنام (سه مزدور) در نظر بگیریم، این نام فقط نام یکی از داستانهای شامل کتاب است که با سایر داستانهای ان هیچنوع رابطه شکلی و مضمونی ندارد. فضل خدا است که این اثر بدست قلندر صاحب نه رسیده است، ورنه بر اساس چنین استدلال و منطق خویش، به چهار کتاب فتوای ناروا و جعلی را بران صادر میکرد.

استدلال دوم قلندر مومند به ارتباط تقسیم و رده بندی کتاب پته خزانه بوده و حاکی از آنست که از نگاه او در ان روزگاران حتی برای زبانهای عربی، فارسی و پشتو هم طریقه تقسیم بندی و ترتیب کتب به لحاظ موضوعات مروج نبود، پس محمد هوتک چگونه قادر شد که کتابش را به سه قسمت جداگانه (سه خزانه) تقسیم بندی نماید.

این استدلال دیگر بی بنیادتر از اولی است. موضوع تقسیم بندی کتب به فصل و باب (قسمت ها یا بخش ها) از زمانهای خیلی قدیمتر از تالیف پته خزانه مروج بوده است. اینکار انقدر ابتدایی بوده که در اکثر کتب دینی و غیره امثال ان فراوان موجود و هر کس از ان اطلاع دارد. قابل تعجب است که قلندر مومند به اساس کدام دلیل این کارا از جمله کشفیات و اختراعات سالهای اخیر میدانند؟ محمد هوتک که خودش کاتب (منشی) دربار شاه حسین هوتکی بوده

و علوم متداول ان وقت رافرا گرفته ، بالخاصه در علوم دینی معلومات و دسترسی کافی داشت که در غیر ان چنین یک مقام را در دربار شاهی هرگز احراز نموده نمیتوانست. فصل بندی کتب در ان وقت نیز یک امر عادی بوده و به نبوغ خارق العاده نویسنده احتیاجی نداشت، چه رسد به خود محمدهوتک که با علما و فضایی ایرانی و عربی نیز معرفت داشت و با فن کتاب نویسی در سطح همان وقت به خوبی آشنا بود. پس استعمال این نوع جملات قلندر مومند که درباره محمدهوتک میگوید «... او چگونه قادر شد.....» اصلا جای ندارد و حتی از دهن یک شخص کم سواد نیز انتظار ان نیمرفت.

تمام استدلالهای باقیمانده موصوف در (پته خزانه فی المیزان) از همین گونه و حتی مضحک تر از ان بوده است و استعمال ضرب المثل مشتمل نمونه خروار درینجا کاملا بجا است. چون استدلالهای قلندر مومند طوریکه دیده شد از اول به شکل غلط پایه گذاری گردیده ، پس به آسانی متوان به گفته شاعر اکتفا نمود که گفته است :

خشت اول گر نهاد معمار کج تا ثریا می رود دیوار کج

بیانید یک موضوع یگر را نیز در نظر داشته باشیم : اگر بالفرض این اثر جدید و جعلی باشد ، پس جعلکاران که خواهد بود ؟ صرف یکی از دونفر یعنی یا خود محمدهوتک و یا هم مرحوم علامه عبدالحی حبیبی بوده میتواند . محمد هوتک این کار را انجام داده نمیتوانست ، زیرا از یک سو به ان ضرورت نداشت و از سوی دیگر طوریکه می بینیم وی معلومات را در مورد از روایات اشخاص دیگر مثلا پدر شان و غیره و یا هم از ماخذ دیگر گرچه برای عموم پنهان بوده ولی تعدادی از علمای وقت با ان شنایی داشته ، گرفته است . مرحوم حبیبی نیز به این چیز ضرورت مادی و معنوی نداشت زیرا اثر بنام خودش نیست و صرف مانند معصومی صاحب خود را به حیث مترجم دری و حاشیه نویس قرارداد داده است که امتیازی چندان ندارد . افزون بر ان ، اشعار و نمونه های کلام شاعران و نویسندگان در کتاب پته خزانه آنقدر متنوع و متفاوت بوده که نوشتن ان توسط یک شخص اصلا محال است. اجرای یک عمل جعلکاری توسط ده ها تن نیز غیر منطقی است زیرا این کار بنوبه خود ضرورت به یک پروژه منظم و وسیع دارد که امکان پذیر نبوده و قابل قبول نیست .

بر علاوه ، هر زبان منجمله پشتو از آغاز پیدایش هم شعر داشت هم شاعر. اگر محمد هوتک نمونه های کلام این تعداد اندکی از آنها را جمع اوری مینمود یا نه مینمود ، اگر حبیبی صاحب انرا ترجمه و تحشیه میکرد یا نمیکرد ، اگر قلندر مومند هزار مرتبه انرا رد کند یا نکند ، اگر معصومی صاحب انرا ترجمه کند یا نکند و یا صدبار با تاکید از ان یاد کند یا نکند ، این زبان هم مانند سایر زبانهای جهان از آوان پیدایش هزاران مرتبه زیادت از ان شاعران و سخنوران داشته که محمد هوتک در کتاب خود شرح حال آنها را ثبت نموده است. بالاخره صفوی ها و پنجابی ها گریه کند یا خنده کند ، این شعر حماسی و فخریه زیبا از خود امیر کرو جهان پهلوان است که میفرماید:

زه یم زمری ، پر دی نری له ما اتل نسته
پرهند وسند و پر تخار و پر کابل نسته
بل پر زابل نسته
له ما اتل نسته (الی اخیر)

گرچه قلندر مومند از یک گپ تشویش دارد و میگوید که اگر کسی به ارتباط تحریر رساله شان ، به حسن نیت وی حمله و برگردد و یا گفته های او را غیر موجه پندارد ، این دیگر بی انصافی بزرگی در حق او خواهد بود . نمیدانم که هموطن محترم ما معصومی صاحب نیز از برگردان رساله او بزبان دری ، در رابطه به حسن نیت شخص خود تشویش دارد یا خیر؟ بنده امیدوارم که موصوف این کار را از روی حسن نیت و کمک به پژوهشگران انجام داده باشد نه از روی تعصب یا سایر اهداف منفی . اگر این حدس من از نظر معصومی صاحب درست و صحیح باشد ، پس یک پیشنهاد دوستانه به وی دارم ، وان اینکه بخاطر تقویه هرچه بیشتر حسن نیت شان ، یکی دو مقاله از ان نوشته های متعدد را نیز ترجمه نماید که در تائید صحت پته خزانه با استدلال های علمی و منطقی و بمراتب قویتر از قلندر مومند ، توسط دانشمندان و محققین برشته تحریر در آمده است و کمک بزرگ به امر پژوهش و تحقیق خواهد بود . این پیشنهاد کاملا ناشی از حسن نیت بنده بوده و خدا کند معصومی صاحب به ان لبیک گفته و بر احترام خود بیافزاید .
خواننده گان محترم !

عجالتا با تقدیم این نوشته مؤجز بسنده نموده ، امیدوارم در آینده اگر وقت یاری نمود باز هم در زمینه صحبت های مفصلتری داشته باشم . با عرض حرمت .

نوت : نبشه هذا جهت دسترسی هرچه بیشتر خواننده گان ، بر علاوه سایت اریایی به تعداد دیگر از سایت های افغانی نیز ارسال و امیدوارم در نشر ان همکاری فرموده ممنون سازند .

پای